شعار ۱۱

شماره یازدهم، تابستان ۱۴۰۳ - تبیین شعارهای مشترک هیأت‌ها



آزادگان عالم در خیمه حسین اند

تبیین شعار محرم الحرام ۱۴۴۶

شعار
شعار ـ تبیین شعارهای مشترک هیأت‌ها
شماره یازدهم، تابستان ۱۴۰۲
آزادگان عالم در خیمه حسین‌اند
تبیین شعار محرم الحرام ۱۴۴۶
تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
به کوشش: هادی مرادی فرهمند
طراح جلد و صفحه‌آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها در صورت ذکر منبع، ان‌شاءالله مصداق تعظیم شعائر است.

جامعه ایمانی مشعر
قم ـ صندوق پستی: ۳۷۱۹۵ - ۱۵۱۳
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org
رایانامه: info@۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت امام خامنه‌ای ظِلَّهُ :

«مسئلهٔ آزادی یکی از مبانی معرفتی است که در اسلام مطرح شده...
آزادی خیلی مهم است.
مهم‌ترین بخش نظریهٔ آزادی در اسلام، آزادی از این چهارچوب مادّه است.
نگاه مادّی می‌گوید شما یک روز دنیا آمدید، چند سال هم زندگی می‌کنید، بعد هم معدوم می‌شوید، همهٔ ما محکوم به معدوم شدن هستیم.
در این قفس مادّی، یک آزادی‌هایی به شما می‌دهند؛
آزادی شهوت، آزادی غضب، آزادی ظلم، همه جور آزادی؛ این آزادی نیست.
آزادی، آزادی اسلامی است؛

اسلام ما را در چهارچوب مادّه محصور نمی‌کند...

مردن، آخرِ کار نیست؛

مردن شروع یک مرحلهٔ جدید، [و در واقع] مرحلهٔ اصلی است.

وقتی شما با این نگاه، نگاه کردید، آن‌وقت می‌توانید اوج بگیرید و دیگر برای حرکت شما، برای پیشرفت شما، برای تعالی شما حدّی وجود ندارد؛

این آزادی است.

همهٔ آزادی‌های زندگی، [اعمّ] از آزادی شخصی، آزادی عقیده، رهاشدن از اسارتِ تحجّر و جمود و خمود و عقب‌ماندگی‌های گوناگون و تعصّبات بی‌مورد و رهایی از اسارت ابرقدرت‌ها و رهایی از اسارت دیکتاتورها، ناشی از این مبنای آزادی اسلامی است؛

باید روی اینها فکر کنید،

باید روی اینها کار کنید.»[1]

۱. بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان: ۱۴۰۲/۰۱/۲۹

مقدمه

محرمی دیگر از راه رسید و چشمان عاشقان حقیقی عالَم، پُر از امید و اشک شده تا جانی دوباره از سرچشمهٔ حیات بگیرند. چه زیباست نغمه‌هایی که دلبرانه حسین علیه‌السلام را می‌خوانند و دستان گریه‌کنان او را مملو از نعمت لایزال الهی می‌کنند. اگر نبود محرمی و اگر نبود گریه‌ای بر وجود مظلوم و غریب سالار شهیدان، اکنون نیز چیزی به نام عزت و رهایی از قفس ظلم و ستم وجود نداشت. محرم، همهٔ منظره‌اش جلوه‌ای از عرش کبریای الهی و همهٔ عطرش، بوی بهشت برین است. اکنون، این منظره و عطر بهشتی، روزبه‌روز در حال گسترش به اقصی‌نقاط عالَم بوده و در حال تسخیر قلب‌های آماده و مهیای بشریت است.

ازآنجاکه سرشت انسان با روح توحید درهم‌آمیخته است و مسیر طی شدهٔ حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام نیز با این فطرت همسو بوده، نه‌تنها ندای عاشورا را با وجود تاریکی‌ها و جورهای بی‌شمار در گذر زمان خاموش نکرده؛ بلکه روزبه‌روز، موجب حیات و بیداری دل‌ها شده است. حیاتی از جنس آزادی و عزت که انسان را به فلسفهٔ آفرینش خود نزدیک و نزدیک‌تر کرده و به‌سوی سعادت می‌کشاند.

سالی که پس از محرم ۱۴۴۵ بر مردم آزادی‌خواه جهان ـ به‌ویژه مسلمانان غیور غزه در فلسطین ـ گذشت، نقطهٔ عطفی در تاریخ شد تا حقیقت و اوج ظلم یزیدیان زمانه بر جوامع دنیا آشکار شده و دل‌های آمادهٔ ملت‌ها بر علیه جور و ستم برانگیخته شود. زمانی که ندای «یاحسین علیه‌السلام» از عمق جان مردم مظلوم فلسطین، به هنگام فرودآمدن موشک‌های خیبرشکنِ وعدهٔ صادق در دنیا پیچید، نشانه‌ای از ریشه‌دواندن نور سیدالشهدا علیه‌السلام در ضمیر آزادی‌خواهان بود. این حادثه را در دورترین نقاط عالَم و نزدیک‌ترین مکان‌ها به مقر دشمنان دیدیم که معنای لبیک به ندای «هل من ناصر» از اعماق آن به گوش می‌رسید.

ایـن سالِ پُرتلاطم، تنها به این حادثه محدود نشد و اتفاقات دیگری نیز رقم خود تا آزادیِ آزادی‌خواهان را به گونه‌های دیگری نظیر تشییع پیکر شهدای خدمت،


یا ابا عبدالله الحسین
السلام علیک
السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الارواح التی حلت بفنائک
باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این نوحه چه و چه غزا تمام است

انتخابات، راهپیمایی‌ها و... نشان دهد. اینجاست که شعار محرم‌الحرام ۱۴۴۶ اشاره به اهمیت و ضرورت تکیه به این واژهٔ کلیدی دارد تا تمامی دلدادگان حسینی با دلی واحد و انسجامی مثال‌زدنی، حقیقت آزادی را در برابر آزادی برآمده از مکتب لیبرالیسم غرب به منصهٔ ظهور برسانند؛ مکتبی که جز اسارت و بردگی، چیزی را عاید پیروان خود نکرده و نخواهد کرد. لذا حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام به‌عنوان نماد و مظهر آزادی حقیقی، در جایگاهی از تاریخ قرار دارند که حال و آیندهٔ ملل دنیا، تنها با قرارگیری در سمت‌وسوی این جایگاه می‌توانند تاریخی به نفع انسانیت رقم بزنند. به بیان دیگر، باید در طرفِ درست تاریخ ایستاد تا بتوان آزاد و به‌دوراز اسارت، سرنوشت خوبی را رقم زد.

منشور حاضر، جهت تبیین و تشریح شعار محرم ۱۴۴۶ تدوین شده و به دنبال آن است تا خوانندگان گرامی به چیستی و چرایی انتخاب آن بر محور آزادگان عالَم واقف باشند. شایسته است که هم‌دلی عزادران و دلدادگان اباعبدالله علیه‌السلام در جهت فعالیت‌ها و ارائهٔ برنامه‌های خود بر اساس این موضوع مهم قرار گیرد تا زمینهٔ لازم جهت عمق‌بخشی به معارف ناب اسلام بیش‌ازپیش فراهم گردد.

آزادی و آزادگی

هیچ عصری از زندگی و حیات بشری را نمی‌توان یافت که انسان در آن، به دنبال رهایی از قیدوبندها نباشد. میل به آزادگی، تمایلی فطری است که خداوند در ذات تمامی انسان‌ها نهادینه کرده است. به‌عبارت‌دیگر، خلقت انسان به‌گونه‌ای است که در بند بودن و در قفس بودن را بر نمی‌تابد و اگر به آن تن داده، از روی ناچاری و ناشی از ظلم و استضعاف است. آزادی، آرمانی است که هر انسانی در عرصه‌های مختلف زندگی خود به دنبال آن است؛ اما حقیقت آزادی و تفاوت آن با آزادگی چیست و در شعار محرم امسال به دنبال چه چیزی هستیم؟ آزادی در تعبیر اسلام با آزادی در تعابیر غربی چه تفاوتی دارد؟ حقیقت آزادی کدام است و چه معیارهایی را می‌توان

بـرای آن بـرشمرد؟ آیا آزادی مطلقی که غرب، سنگ آن را به سینه می‌زند به حقیقت نزدیک‌تر است یا آزادی انسان‌سازی که اسلام مدعی آن است؟ آیا آزادی با قیود و محدودیت‌هایی که در طبیعت دنیا وجود دارد در تناقض است یا قابل‌جمع است؟ آزادی در لغت به معنای حریّت، اختیار، خلاف بندگی، قدرت عمل و ترک آن و قدرت انتخاب است و آزادی در فرهنگ مصطلح سیاسی، به معنای مصون‌ماندن از ارادهٔ مستبدانه است. آزادی در موارد گوناگونی از قبیل آزاداندیشی، انتخاب عقیده، اظهارنظر و حقّ انتخاب نظام اجتماعیِ دلخواه تجلی پیدا می‌کند. باور مسلمانان و به‌ویژه شیعیان این است که منشأ آزادی، نه حکومت و نه سازمان و اداره و صنف است؛ بلکه آزادی، نعمتی از نعمات بی‌بدیل خداوند است که به انسان‌ها ارزانی داشته و کسی حق ندارد انسان‌ها را از این نعمت محروم کند. چراکه تنها در سایه‌سار آزادی است که می‌توان زمینه‌سازی رشد و تعالی بشر و به دنبال آن، عدالت و سعادت را فراهم نمود.

نکتهٔ بسیار مهمی که دررابطه‌با این بحث وجود دارد این است که تفاوت آزادی با آزادگی چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، فردی را تصور کنید که بندهٔ شکم است؛ یـعنی تا زمانی که شکمش سیر و غذایش باب میلش باشد، اخلاقش خوب است

و به‌محض آن که گرسنه شود یا طعم غذا را نپسندد، دادوبیداد راه می‌اندازد و پـرخاشگری می‌کند. یا مثلاً فلانی بندهٔ پول است و در برابر مادیات اصلاً مقاومت ندارد. ممکن است برای کسب پول و ثروت به هر خیانت و خباثتی دست بزند؛ بدون آن‌که عواقبش را در نظر بگیرد. چنین افرادی آزادند اما آزاده نیستند. پس آزادی با آزادگی تفاوت دارد و براین‌اساس، آزادگی به معنای رهایی از تعلقاتی است که انسان را به پستی و حقارت می‌کشانند. هرچند، در تعابیر مختلف زمانی که از آزادی‌خواهی و آزادی در اسلام سخن به میان می‌آید، منظور رهایی از هرگونه گردن‌کشی نفسانی و شیطانی است که انسان را از نیل به آزادگی بازمی‌دارد.

قرآن کریم انسان را موجودی مختار و آزاد می‌داند؛ لذا سرنوشت انسان هم به دست خود او خواهد بود. هر کس میخواهد ایمان آورد و هر کس میخواهد کافر شود «**فَمَن شَاء فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاء فَلْيَكْفُرْ**[1]» ؛ ولی در برابر راهی که برمیگزیند، مسئول است. از نظرگاه اسلامی، انسان برای تکامل و رشد آزاد است تا بتواند سعادتمند شود؛ لذا در این راه باید به آموزه‌های دینی پایبندی کند و به میزان اعمال و کردار خود در بهره‌مندی از این آزادی، پاداش جزای خود را دریافت می‌کند. در مقابل، آزادی حیوانی، یعنی آزادی

۱. سورهٔ کهف، آیه ۲۹.

مطلق شهوت و هواوهوس و دنیاپرستی، همان چیزی است که نگاه مادی‌گرایانه، انسان را به‌سوی آن فرامی‌خواند و به‌هیچ‌عنوان مورد تأیید اسلام نیست.

خداوند به انسان عقل و اختیار داده و به همین سبب، او را مکلف دانسته تا به اختیار خود سبک زندگی و اهداف آن را انتخاب کند. همین اراده و اختیار است که ضامن آزادی انسان بوده و مقتضای طبیعت آنان نیز می‌باشد. این طبیعت آدمی، او را به آزادی و رهایی از هرگونه قید و بندی می‌کشاند؛ درحالی‌که اولین مانع و محدودیتی که برای او وجود دارد، طبیعت دنیا و عقل اوست که نمی‌گذارد به‌صورت بی‌شمار به آزادی دست یابد؛ بنابراین، حتی اگر بخواهیم آزادی مطلق را در مقام تئوری بپذیریم، در مقام عمل نمی‌توانیم آزادی مطلق را اجرا کنیم؛ زیرا در مقام عمل، اِعمال آزادی با آزادی دیگران در تزاحم قرار گرفته و اجازه نمی‌دهد تا هر گونه که بخواهیم عمل کنیم.

هرچند با این قیوداتی که مطرح شد، انسان موجودی دارای اراده و مختار در عمل است و می‌تواند به اختیار خود هر کاری را که دوست دارد انجام دهد و از هر کاری که ناخوش دارد پرهیز کند؛ چیزی که به‌وفور در غرب مشاهده می‌شود و با اسم آزادی، به حقوق دیگران تجاوز کرده و دیگران را از آزادی محروم می‌کنند. پس آزادی ارائه شده توسط غرب، نه‌تنها با حقیقت آزادی در تضاد است؛ بلکه عین اسارت است. کسانی

که از ثروت و قدرت بالاتری برخوردار باشند، به‌راحتی می‌توانند به آزادی دیگران تجاوز کرده و این حق مسلم را از دیگران سلب کنند.

اما آزادی دارای معیارها و شاخصه‌هایی است که بدون آنها، عملاً هیچ‌گونه آزادی را نمی‌توان برای افراد فراهم کرد و باید در چارچوب محدودیت‌هایی باشد تا جامعه را دچار هرج‌ومرج نکند. چیزی که مسلّم است این است که آزادی در برخی ابعاد، مانند آزادی عقیده و اندیشه برای هر انسانی و در هر زمان و مکانی فراهم است و کسی نمی‌تواند مانع آن گردد. اما آزادی‌هایی نظیر آزادی بیان و آزادی در رفتار، ازآنجاکه پای در حریم دیگران می‌گذارد، باید با قیودی همراه باشد تا موجب ضایع شدن حق دیگران نشود. در کل، اگر آزادی کسی با شکستن آزادی دیگران همراه باشد، محکوم بوده و تمامی آزادگان حق آن را دارند تا نسبت به استیفای آزادگی حقیقی و پشتیبانی از مظلومان به پا خیزند.

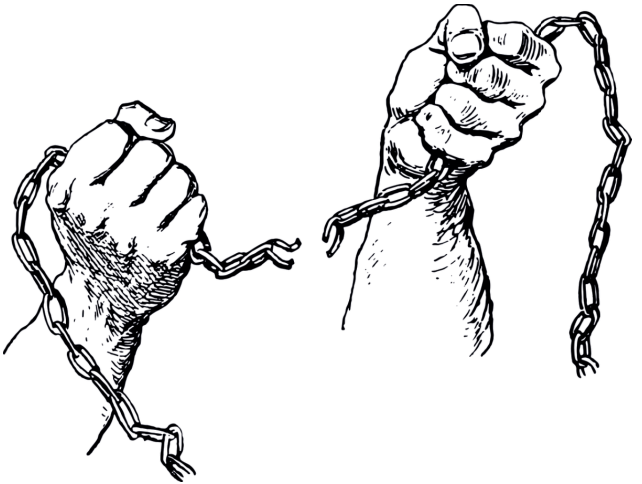

بندگی یا بردگی؟

تاریخ بشریت مملو از سرگذشت بزرگانی است که ـ چه در ذیل پرچم ولایت و رسالت و چه بدون آن ـ به‌دنبال کسب عزت، نام خود را جاودانه کرده و الگویی برای گسترش آزادگی در سراسر عالَم شدند. در این میان، هیچ نامی به اندازهٔ نام حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام در عصر حاضر مظهر آزادگی نیست. تمامی هیمنهٔ کفر و نفاق در طول تاریخ اسلام کمر همت بست تا با تهدید و تطمیع، بر روی آزادی‌خواهی اهل‌بیت عصمت و طهارت:خاکسترِ تحریف بپاشد؛ غافل از آنکه نور خداوند و تجلیات این نور در اولیای او را هرگز نمی‌توان خاموش کرد. ازاین‌رو، با قرارگیری امام حسین علیه‌السلام به‌عنوان شاخص آزادگی در فرهنگ اسلامی و تشیع، پیروان آن حضرت، همواره بر

تبعیت از ایشان برای آزادی تلاش کرده و مرگ در راه آن را از زندگی در ذیل حکومت ستمگران برتر دانسته و شعار «**هیهات منا الذلة**» سر می‌دهند.

در مقابل، الگوهای آزادی در غرب و در نگاه مادی‌گرایان در افرادی خلاصه می‌شود که تنها به لذایذ مادی توجه داشته و از مهم‌ترین بُعد وجودی انسان، یعنی روح و نیازهای آن غافل بوده‌اند. پس کسانی که دم از آزادی مطلق می‌زنند و الگوی خود در بهره‌مندی از آزادی را مکتب لیبرال غرب معرفی می‌کنند، یا نمی‌دانند آزادی و آزادگی چیست و یا به دنبال فریب مردم و دورکردن آنان از حقیقت آزادی و آزادگی هستند. از منظر این افراد، آزادگی به معنای تبعیت بی‌چون‌وچرا از شِبه‌قدرت‌های پوشالی دنیاست تا بتوان همچون مردم غرب، از انتخابِ به‌ظاهر آزادانه و براساس هواوهوس برخوردار بود. این، چیزی جز بردگی در برابر خواسته‌های مستبدانهٔ مستکبرین و شیاطین نیست.

نگاه اسلام به آزادگی، نگاهی تعالی‌بخش است که در راستای نیل به هدف خلقت انسان از سوی خداوند متعال ارزانی شده است. رهایی از هرگونه قیدوبند مادی و نفسانی و قرارگرفتن در آغوش لایتناهی و نامحدود الهی، معنای حقیقی آزادگی از منظر اسلام است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمودند: «**لا تَكُن عَبدَ غَيرِكَ وَقَد**

جَعَلَكَ اللّه ِ حُرّا[1]»؛ بندۀ دیگری مباش که خداوند، تو را آزاد آفرید. بندۀ غیر خدا بودن، آورده‌ای جز بردگی ندارد و بندۀ خدا بودن، رهایی از هرچه غیر خدا را به همراه دارد؛ بنابراین، اگر بخواهیم در یک جمله تفاوت میان آزادی اسلامی و مادی را بیان کنیم باید گفت: آزادی در اسلام، به معنای بندگی در مقابل آزادی مادی به معنای بردگی است.

کسی که قیمت و ارزش خود را نداند و خود را به دنیای محدود بفروشد، بردۀ دنیا و در بند قفسِ هوای نفس خویش است. اما کسی که بفهمد اصل وجودش متصل به وجود نامحدود خداوند است[2] قیمت خود را تنها در جوار خداوند دیده و خود را از بندِ نفس و شیطان رها ساخته و با اطاعت پروردگار، خود را خریداری کرده و آزاد می‌سازد. اینجاست که زیباترین تعبیر دربارۀ حقیقت اسیری و آزادگی را باید در کلام زیبا و پُرمعنای حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام جست‌وجو کرد که فرمودند: «**الدُّنیا دارُ مَمَرٍّ والنّاسُ فیها رجُلانِ: رجُلٌ باعَ نَفْسَهُ فأوْبَقَها وَ رجُلٌ ابْتاعَ نَفسَهُ فأعْتَقَها**[3]»؛

۱. نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.
۲. «وَ نَفَختُ فِیهِ مِن رُوحی»؛ سورۀ ص، آیه ۷۲.
۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳.

دنیا سرای گذر است و مردم در آن دودسته‌اند: مردی که خود را فروخت و اسیر کرد و مردی که خویش را خرید و آزاد ساخت.

اسیر نفس نشد یک زمان علیّ ولی — اسیر نشد که بر مؤمنیـن امیر آید
اسیـر نفس کجـا و امیـر خلق کجا — که سربلند نشد آن که سربه‌زیر آمد


اولادی و من تحت الخضراء


كلهم فداء لأبي عبد الله الحسين عليه السلام

حسین علیه‌السلام زیباترین جلوهٔ آزادی

چه سِرّی است که عطر و بوی حسین علیه‌السلام روزبه‌روز در سراسر عالَم فراگیرتر شده و ندای ایشان به گوش هر آزاده و قلب آماده‌ای که می‌رسد، ناخودآگاه همهٔ وجودش را با خود همراه می‌سازد؟ حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام به‌عنوان سرچشمه و مظهر آزادگی، با حیات و شهادت خود، به الگویی بی‌بدیل برای کسانی که به دنبال عزت و استقلال هستند تبدیل شدند. این به دلیل نمود بیشتر عنصر حریت و آزادی در نهضت عاشورا، نسبت به سایر ویژگی‌های آن است؛ تا جایی که بسیاری از انسان‌ها ـ حتی غیرمسلمانانی که با اسلام و موضوع امامت آشنا نیستند ـ حضرت را به‌عنوان

فردی آزاده می‌شناسند که عزتمندانه در برابر ظلم قیام کرده و خود و اهل‌بیتش در سخت‌ترین شرایط تن به ذلت ندادند.

فلسفهٔ نهضت عاشورا با نفي حکومت جور و ظلم و همچنین، برتری عزت بر ذلت عجین شده است. امام حسین علیه‌السلام هر زمان فرصت می‌یافت، مردم را نسبت به حکومت بنی‌امیه و ظلم و جور آن آگاه می‌ساخت و همگان را نسبت به آزادگي انسان در پناه عدالت و حکومت عدل فرامی‌خواند. حضرت در پاسخ به فردی که ایشان را دعوت به صلح و سازش با حکومت یاغی و طغیانگر وقت می‌کرد، فرمودند: «جد بزرگوارم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به کشته‌شدنم خبر داده، به خدا قسم هرگز از خویشتن پستي و ذلت نشان نمی‌دهم[1]».

با مراجعه به تاریخ و مرور بخشی از کلام امام حسین علیه‌السلام که در موقعیت‌های مختلف بیـان شده، جلوهٔ آزادگی را می‌توان در نهضت عاشورا و امتداد آن در طول تاریخ تا به امروز به‌وضوح مشاهده کرد. جملات نورانی و عزت‌بخشی نظیر: «تسلیم نخواهم

۱. لهوف، ص ۲۳.

شد[1]»، «**هیهات منّا الذلة**[2]» و «اگر دین ندارید لااقل در دنیایتان آزاده باشید[3]» از جمله فرمایشاتی است که فطرت خفتهٔ هر انسانی را می‌تواند بیدار کند و با خود همراه سازد. این نوع رفتارسازی، اگر با عمل شیعیان همراه باشد، بی‌تردید به جامعه‌سازی و در نهایت به شکل‌گیری تمدن اسلامی منجر خواهد شد. چنانچه اکنون پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نشانه‌های آن را در ابعاد بین‌المللی و قرارگیری جمهوری اسلامی در تراز قدرت‌های جهانی ـ با وجود تمامی موانع و چالش‌های بی‌شمار داخلی و خارجی ـ می‌توان مشاهده کرد.

عزتِ برآمده از متن آزادگی حضرت امام حسین علیه‌السلام نه‌تنها موجب تقویت اراده و عزم شیعیان گردید؛ بلکه زبان دشمنان خود را نیز به تحسین و توصیف شکوه و شکست‌ناپذیری این پیشوای بی‌بدیل واداشته است. حمید بن مسلم از گزارشگران رویداد عاشورا در وصف شکوه و شکست‌ناپذیری حضرت می‌گوید: «به خدای سوگند

۱. عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها. ص ۴۱۹.
۲. لهوف، ص ۹۷.
۳. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۵۱.

که فروغ فروزان سیمای حسین و جمال و هیبت او به‌گونه‌ای مرا مجذوب و واله ساخته بود که اندیشه کشتن او را از یاد بردم[1]»

آنان که به چشم خویش دیدند تو را رفتند و به‌پای دل رسیدند تو را
و آن کوردلان که بـر دلت تیـر زدند دیـدند تو را ولی ندیدند تو را!

در روایتی دیگر، پس از رویداد جان‌سوز عاشورا، یکی از منتقدان، برخی از سپاه شوم اموی را نکوهش کرد که ننگ و نفرین بر شما! چگونه فرزندان پیامبر را آن گونه ناجوانمردانه قتل‌عام کردید؟ او پاسخ داد:

«دوست من! بیهوده سخن مگو! اگر تو نیز آن روز آنچه را ما با آن روبه‌رو شدیم می‌دیدی، جز جنایت و بیدادی که از ما سر زد از تو سر نمی‌زد؛ چرا که ما با گروهی کم‌شمار روبه‌رو شدیم که دست‌هایشان بر قبضه شمشیر بود و شیرآسا از هر سو، جنگاوران و رزمندگان را به خاک هلاک می‌افکندند و خود را بی‌هیچ هراسی به دریای مرگ می‌زدند! آنان مرد می‌بودند که نه در برابر ثروت و مقام سر فرود می‌آوردند و نه امان و امان‌نامه و نه زور و خشونت و مرگ! چیزی نمی‌توانست میان آنان و مرگ

۱. قصه کربلا، ص ۴۴۹.

هدف‌دار یا چیرگی بر حکومت مانع شود و اگر ما اندکی در برابر آن اراده‌های مصمم و شکست‌ناپذیر کوتاه می‌آمدیم جان همه سپاه اموی را می‌گرفتند! بااین‌وصف ای بی‌مادر! ما تیره‌بختان چه می‌توانستیم انجام دهیم[1]؟» بدین‌سان، خشن‌ترین دژخیم استبداد لب به عزت و شکست‌ناپذیری نهضت عاشورا گشود و به واماندگی و شکست خشونت و استبداد، اعتراف کرد.

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۶۳.

تیغِ آزادی، برگردن ظلم

اگر آزادی را آن‌گونه که غرب برای جوامع خود در نظر گرفته مشاهده کنیم، چیزی جز در بند بودن امیال شیطانی نمی‌بینیم. آزادی بی‌ارزشی که قدرت‌های بیگانه با تمام توان خود به دنبال نهادینه‌سازی آن در جوامع مسلمان و به‌ویژه شیعی است. دشمنانی که دشمنی آنان برای اکثر قریب به‌اتفاق مسلمانان ثابت شده، در مقام پـزشکی برآمده‌اند که نسخهٔ آزادی را برای مسلمانان می‌پیچند و در رسانه‌های خود دائماً بر طبل برتری آزادی غربی می‌کوبند. این نوع از آزادی‌خواهی، شبیه گُلی مسموم است که به مسلمانان داده شده تا با استشمام آن، در خواب عمیق تمدن تاریک غربی فرو روند.

تمامی دست‌وپازدن‌های دشمن در این ادعای به‌ظاهر زیبا از چه چیزی نشأت می‌گیرد؟ بسیار پُرواضح است که اگر خود را در خطر نمی‌دیدند، هرگز حاضر نبودند تمام توان و امکانات خود را برای تسخیر قلوب مسلمانان به‌کار گیرند. آن خطر، همان آزادی‌خواهی حقیقی از سوی مسلمانان و علی‌الخصوص شیعیان بیداردلی است که تمدن چندصدسالهٔ غرب را به چالش کشیده و آن را با خطر نابودی مواجه ساخته است. آزادی مورد ادعای اسلام، موجب رهایی از تمامی محدودیت‌های جسمانی و نفسانی و قرارگرفتن در آغوش نامحدود الهی است. اینجاست که هرجا آزادی الهی با آزادی‌های شیطانی روبه‌رو شود، با آن به ستیز و مقابله خواهد پرداخت؛ بنابراین، اگر امروزه اوج ستیز دشمنان با مسلمانان را به‌وضوح مشاهده می‌کنیم، علت آن را باید در آزادی‌خواهی مسلمانان و مبارزهٔ آنها با روحیهٔ غاصبانهٔ دشمنان دانست.

امروزه، دشمن بیش از هر زمان دیگری تیغ بُرندهٔ آزادی حقیقی را به‌شدت بر روی گردن خود احساس می‌کند. اگر زمانی مستکبرین عالَم به‌راحتی می‌توانستند با مسلمانان به‌مانند یک برده برخورد کنند ـ همچنان که طی فتوای خاخام صهیونیستی، تمامی انسان‌ها جز یهودیان، در حکم برده و حیوان برای یهودیان

هستند[1] ـ اما امروزه با بیداری روزافزون جهانیان، اعم از غیرمسلمانان و مسلمانان و در رأس آنها قدرت‌گرفتن شیعیان در تراز جهانی و بین‌المللی، خطر نابودی را بیش از هر زمان دیگری احساس می‌کنند. اینجاست که دشمن، آخرین تقلای خود را با جنگ و کشتار بیداردلان و مظلومان برای نجات خود در پیش گرفته و به‌خوبی می‌داند آزادی‌خواهان، با پیروی از سرور آزادگان عالَم حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام تا زمانی که منجر به نابودی کامل آنها نشوند، از پا نخواهند نشست.

۱. به نقل از روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» و شخص خاخام «عوادیا یوسف».



شعار

آزادگان عالم
در خیمه حسین‌اند



خیمه‌ای به وسعت یک عالَم

ندای حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام ندایی نیست که صرفاً یزیدیان زمانهٔ خود را به مبارزه دعوت کرده باشد؛ بلکه برخاسته از نَفَس مهمومی است که با فطرت و سرشت انسان در هر زمان و مکانی آمیخته بوده و موجب بیداری قلوب انسان‌ها در هر قوم و نژاد و دین است و ناخودآگاه، پاسخ

لبیک را بر زبان‌ها جاری می‌سازد. این لبیک، ارادهٔ انسان را چنان مستحکم و پولادین می‌سازد که در راه آزادگی و در همهٔ ابعاد چهارگانهٔ جهاد[1] جان و مال و آبروی خود را فدا می‌کند و کلام زیبای «**بِأبی أَنْتُمْ وَ اُمّی وَ أهْلی وَ مالی وَ نَفْسی وَ اُسْرَتی**[2]» را در عمل، به منصهٔ ظهور می‌رساند.

ایـن بیـداری، از همان ابتدای وقوع نهضت عاشورا، یاریگر فطرت‌های خفتهٔ بشری گردید و کسانی که حتی گمان نمی‌رفت نامشان بر تارَک اسلام بدرخشد را در تاریخ، به نیکی ثبت کرد. اما آیا این همهٔ راه بود؟ هرگز؛ خون سیدالشهدا علیه‌السلام محدود به زمان و مکان نبوده و نخواهد بود. این خونِ حیات‌بخش، اکنون در سرتاسر عالَم، خیمه‌ای بـر پا کرده است که عشق حقیقی را در متن حیات بشری نهادینه کرده و عشق‌های خاکی و بی‌روح را به حاشیه برده است. این عشق، به زیبایی هرچه‌تمام‌تر به آزادی و

---

۱. جهـاد در آمـوزه هـای دیـن اسلام بـر اسـاس موانعـی کـه در مسـیر تحقـق حاکمیـت خداونـد قـرار دارنـد بـه چهـار دسـته تقسـیم می‌شـوند:
۱. جهاد اکبر (در برابر تمایلات منفی نفس)؛
۲. جهاد عظیم (در برابر تمایلات مثبت نفس؛ یعنی ندیدن خوبی های خود و صرفاً دیدن خدای خود)
۳. جهاد کبیر (در برابر مبارزات نرم دشمن)
۴. جهاد اصغر (در برابر مبارزات سخت دشمن).

۲. بخشی از زیارت جامعهٔ کبیره.

آزادگی معنا بخشیده و به‌وضوح مشاهده می‌کنیم که ندای آن در زیر این خیمه به وسعت یک عالَم فراگیر شده است.

اما عشق برخاسته از این خیمهٔ عظیم را نباید تنها به شور و احساس حسینی محدود ساخت؛ بلکه روی دیگر این خیمه را باید معرفت برخاسته از تفکری عمیق و مستحکمی دانست که در ورای آن، جامعه‌ای دانا و آزاده و به دنبال آن، تمدنی عظیم نهفته است. اگر جامعه‌ای از فهم و شعور عمیقی برخوردار نباشد، هرگز قادر نخواهد بود آزادانه به سمت ظهور گام بردارد. برخورداری از این تفکرِ انسان‌ساز و جامعه پرداز نیز جز با رهایی از قفس فکری دنیاپرستان در فضای حقیقی و مجازی امکان‌پذیر نخواهد بود. اینجاست که وظیفهٔ خطیر تبیین و روشنگری بر دوش آحاد شیعیان سنگینی کرده و مسئولیت آنان را دوچندان می‌کند.

هیأت، بسترساز آزادگی

سخن دربارهٔ چیستی حقیقت هیأت، بسیار است و در محافل گوناگون و مکتوبات، به اندازهٔ کافی بدان پرداخته شده است. در این مقال، به همین اندازه اکتفا می‌کنیم که اگر هیأت را تنها مصداق آزادگی بدانیم، سخن گزافی نگفته‌ایم. دلیل بر این مدعا را نیز باید در واقعیت موجود جست‌وجو کرد. هیأت، همان بستری است که آزادگی در اندیشه‌های عمیق را در کنار شور برخاسته از عشق حسینی به منصهٔ ظهور درآورده و در عصر حاضر نیز ـ که فتنه‌های گوناگون در حال رخ‌دادن است ـ در آزمون‌های الهی، سربلند ظاهر شده است. البته این سخن به معنای این نیست که تمامی هیآت از

این موفقیت برخوردار بوده‌اند؛ بلکه اشارهٔ سخن به سمت آن دسته از هیآتی است که با موفقیت در این امر، به الگویی مناسب برای دیگر هیآت تبدیل شده‌اند.

امروزه، تکلیف هیأت در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهرها و روستاها، بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که در گذشته وجود داشت. کنش‌گری مردمی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، وظیفه‌ای است بس خطیر که می‌تواند پُلی برای عبور از پیچ تاریخیِ این روزهای موّاج و پُرتلاطم باشد. گمان نشود که این مسئولیت، به‌تازگی در عصر کنونی بر دوش هیأت گذارده شده است؛ بلکه این امر، ریشه در اولین هیأت هایی دارد که از سوی حضرات معصومین: پس از واقعهٔ عاشورا برگزار شده و در بستر آن، اهداف عالیهٔ اسلام ـ که عبارت از تشکیل حکومت علوی بود ـ دنبال می‌شد. تاریخ نیز گواه بر آن است که اگر تشکیلات مخفی شیعه در سایه‌سار ولایت اهل‌بیت عصمت و طهارت: نبود، امروزه هم خبری از اسلام نبود. همان تشکیلاتی که اکنون در قالب هیآت حسینی، می‌بایست با گام‌های محکم‌تر و اعتقاد راسخ‌تری به‌سوی همان اهداف به‌پیش روند.

اما درد واقعی این روزهای مسلمانان جهان را نه نان و غذا و مسکن ـ که البته به‌جای خود، مسئلهٔ مهمی است ـ بلکه غل و زنجیرهایی تشکیل داده که مانع از بهره‌مندی

از مواهب دنیوی و اخروی شده است. به بیان دیگر، تا زمانی که مسلمانان، در بند استبداد فکری دشمنان قرار گرفته باشند و قادر نباشند آزادانه و به‌دور از هیاهوی دنیا، مسیر درست را تشخیص دهند و در یک‌کلام، تا زمانی که طعم آزادگی فکری را نچشیده باشند، نمی‌توانند روی سعادت و خوشبختی را ببینند. اینجاست که دشمن به کوچک و بزرگ مسلمانان نیز رحم نخواهد کرد.

حضور در محرم امسال، تفاوت بسیاری با سال‌های گذشته دارد. اگر به حوادث تلخ و شیرینی که در ماه‌ها و سالیان اخیر رخ داده بنگریم و اگر در بزنگاه‌های تاریخی، ارادهٔ مردم را آن‌گونه که انتظار می‌رود نمی‌بینیم، نشان از آن دارد که نتوانسته‌ایم مردم را مسلح به سلاح آزادگی نماییم و این سلاح، ریشه در اندیشه‌های راسخ دارد. این راه (آمادگی فکری مردم، جهت پذیرش منجی بشریت و تثبیت حکومت مهدوی)، مسیر بسیار دشواری است که از ابتدای بعثت رسول مکرم اسلام ﷺ آغاز گردیده و تا به امروز ادامه داشته است. همین امر، مصائب بسیاری بر اهل ایمان تحمیل کرده است و البته همین دشواری کم‌نظیر، نشان از آن دارد که به اوج فتنه‌های آخرالزمان نزدیک و نزدیک‌تر شده‌ایم؛ لذا نوع فعالیت و میزان ارادهٔ اهل ایمان در عصر حاضر به

این مهم بستگی دارد که تا چه میزان بتوانند مردم را برای حقیقت آزادگی مهیا کرده تا مبادا زمان ظهور به تعویق نیفتد!

ایـنجاست که هیأت، علاوه بر اینکه باید خود، نمونه و الگویی برای یک تشکیلات ـ دولتی یا غیردولتی ـ باشد، می‌بایست زمینه را برای رشد و تعالی مردم در جهت آزادگی فراهم سازد. هیأت باید با حمایت از مظلومین عالَم، در مقابل دشمنان خون‌خوار و سارقین اندیشه، سینه سپر کند و هرگز از این مواجهه نهراسد؛ بنابراین، در محرم سال جاری انتظار می‌رود تا باتکیه‌بر اندیشه‌های ناب و مبانی مستحکم فکری، مردم را نسبت به واقعیت‌های جهان امروزی آشنا ساخت و به‌جای رهانیدن آنها از قفس فکری استکبار، کلید رهایی از این قفس را به خود ایشان داد.

آزادگان عالم در خیمه حسین‌اند

حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام

به‌عنوان نماد و مظهر آزادی حقیقی،
در جایگاهی از تاریخ قرار دارند که حال و آیندهٔ ملل دنیا،
تنها با قرارگیری در سمت‌وسوی این جایگاه می‌توانند، تاریخی به نفع
انسانیت رقم بزنند. به بیان دیگر، باید در طرفِ درست تاریخ ایستاد تا
بتوان آزاد و به‌دوراز اسارت، سرنوشت خوبی را رقم زد.

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است

۰۲۵ - ۷۵ ۳۸ ۱۴ ۱۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا علیه‌السلام است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعّالیّت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...